

کنکاشی در احوال مجالس مضحکه سدهٔ سیزدهم خورشیدی

محمد حسینی ناصربخت

(عضو هیئت علمی دانشکدهٔ ادبیات)



۱۳۹۷

سرشناسه: ناصربخت، محمدحسین؛ ۱۳۴۳-

عنوان و نام پدیدآور: کنکاشی در احوال مجالس مضحکه سده سیزدهم خورشیدی / محمدحسین ناصربخت.
مشخصات نشر: تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده هنر؛ فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران؛
مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۳۰۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۴۵-۱۳-۰ وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.
یادداشت: کتابنامه: ۲۹۵.

موضوع: نمایش - ایران - تاریخ - قرن ۱۳ اق. Theater - Iran - History - 19th century.
موضوع: نمایشنامه فارسی (کمدی) - قرن ۱۳ اق - تاریخ و نقد. 19th century - History and criticism - Persian Drama (Comedy).

موضوع: طنز فارسی - قرن ۱۳ اق. - تاریخ و نقد. Satire, Persian - 19th century - History and criticism.
موضوع: نمایش روحوضی. Theater on pond.

شناسه افزوده: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده هنر.
شناسه افزوده: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».

رده‌بندی کنگره: ۱۳۷۹ ک۶۱/ن۲۰۵۱ PN

رده‌بندی دیویی: ۳۰۶/۴۸۴

آماره کتابشناسی ملی: ۵۲۴۷۲۱۰



پژوهشکده هنر وابسته به فرهنگستان هنر
با همکاری مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»

کنکاشی در احوال مجالس مضحکه سده سیزدهم خورشیدی

محمدحسین ناصربخت

ویراستار: پوران زبیدی

صفحه‌آرا و ناظر فنی چاپ: میثم رادمه

طراح جلد: فاطمه سوزنر

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: چاپخانه دیجیتال فرهنگستان هنر

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۴۵-۱۳-۰

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشران محفوظ است.

نشانی: خیابان ولیعصر(عج)، بالاتر از تقاطع امام خمینی (ره)، نبش کوچه شهید حسن سخنور، پلاک ۲۹

تلفن: ۰۲-۶۶۹۵۶۱۹۰۰ نامبر: ۶۶۴۸۰۹۴۵ کدپستی: ۱۱۳۷۶۳

ایمیل: pub@aria.ac.ir

http://aria.ac.ir

نشانی فروشگاه مرکزی: خیابان ولی عصر، نرسیده به چهارراه طالقانی، شماره ۱۵۵۰، ساختمان مرکزی فرهنگستان

هنر. تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۰

نشانی تلگرام: @artboks

نشانی فروشگاه اینترنتی: www.matnpublishers.ir

فهرست مطالب

۷		سخن ناشران
۹		مقدمه
۴۳		بخش نخست: مجالس شادی
۱۸۹		بخش دوم: گذر از مرز گریستن
۲۸۱		مؤخره
۲۸۷		ضمایم
۲۹۵		کتابنامه

مقدمه

«اول دفتر به نام اسرار دانا صانع و پروردگار وحی و توانا

راویان اخبار و ناقلان آثار و خطوط ای شکرشکن شیرین گفتار چنین روایت می‌کنند که...»

نقلان و قصه‌گویان، معمولاً، سپس - این آغاز می‌کنند؛ اما، ما را که غرض پرداختن به راز و رمزهای برخی از خیلِ نمایش‌های روزگار رفته است، چاره‌طریقه‌ای دیگر است. قصد مکتوب حاضر، چنان‌که از عنوان آن برمی‌آید، بررسی فنون و شگردهای به کار گرفته شده در مجالس شادی‌آور رایج در سیزدهم خورشیدی است - البته، با توجه به آنچه از اسناد برجای مانده برمی‌آید و با دو بخش تقسیم می‌شود: یکی به نمایش‌های رایج در مجالس شادمانی اختصاص دارد. نمایش‌هایی که، عمدتاً، فارغ از قیود متنی مکتوب، مبتنی بر تجارب گروهی ثابت متشکل از نمایشگرانی حرفه‌ای و متکی بر بازی فی‌البداهه بازیگران شکل می‌گیرند. و دیگری مختص شبیه مضحک‌هاست که از دل مجالس سوگواری برآمدند و تقبیح اشقیاء را هدف قرار دادند و علی‌رغم وجود اشتراکاتی در تکنیک‌ها و تکرار برخی از فنون مضحکه، مقید بر متنی از پیش نوشته‌اند و به همین دلیل با گروه نخست در تفاوتی آشکار قرار می‌گیرند که، به جهت رعایت مرزها و حدود، در بخشی جداگانه بررسی می‌شوند. ضمن اینکه در بخش مربوط به نمایش‌های فی‌البداهه شادی‌آور - معروف

به تقلید - سعی بر این بوده است که با نیم‌نگاهی به تاریخچه و روند شکل‌گیری این نمایش‌ها در ترتیب و توالی موضوعات مورد بحث تقدم و تأخر انواع، که البته نه براساس اسنادی روشن و قطعی، بلکه بیشتر بر پاره‌ای از گمانه‌زنی‌ها و نظریه‌پردازی‌ها و فرضیات عقلانی استوار است نیز رعایت شود؛ هر چند، بنا به روایت اسناد و مشاهدات معمرین، در دوران یاد شده - قاجار - بخش اعظم این اشکال نمایشی در کنار هم حیات داشته و در مجالس شادمانی مردمان اجرا می‌شده‌اند، که این خود از شاخصه‌های جامعه سنتی است؛ جامعه‌ای که به سبب رعایت حرمت آیین‌ها و مناسک و قراردادهای کهن، سنت در آن امکان حضور و حیات در کنار یکدیگر را می‌یابد.

البته، این رساله یک رساله تاریخی نیست، زیرا علی‌رغم نیاز به بحث در این زمینه، چنان‌که آمد حداقل با توجه به اسناد موجود نکته جدیدی در زمینه تدوین تاریخ نمایش‌های ایرانی بر سر آنکه قبلاً ثبت و ضبط شده است به دست نیامده است و بیشتر متون تاریخی یکی به تعداد محدود و اندکی از اسناد باقی‌مانده است که پیش از این بارها از آن‌ها سخن گفته شده. تحلیل‌های تاریخی متنوعی در مورد هر یک موجود است، لیکن بحث دربارهٔ تکنیک‌ها، فن و ویژگی‌های ساختاری این نمایش‌ها در نمونه‌های موجود برای کشف دقایق ظریف و مضحکه ایرانی هنوز جای کار بسیار دارد و از نظر نگارنده می‌تواند موجبات الهام و استفادۀ آیندگان معاصر را فراهم آورد و به همین منظور است که استخراج، ثبت و بحث دربارهٔ تکنیک‌ها، شگردها و فنون به کار گرفته شده در انواع نمایش‌های شادی‌آور سنتی ایران - راجعاً، ارائه شوخی‌های کلامی و رفتاری با هدف ایجاد خنده در مخاطب در محدوده زمانی دوران قاجار و بررسی مضامین و ساختار قصه‌هایی که در این دوران محور آثار فوق‌الذکر بوده‌اند - موضوع پژوهش حاضر قرار گرفته است. تکنیک‌هایی که چنان‌که آمد بیش از هر چیز لذت مخاطب و بهجت او را مد نظر داشته‌اند.

نگاهی اجمالی به شگردها و فنون طنز و مضحکه در ادبیات، تئاتر و نمایش‌های شادی‌آور ایرانی

طنز، فکاهه، هجو، و هزل واژه‌هایی هستند که از دیرباز در فرهنگ و هنر بشری و در عرصه ادبیات و هنرهای نمایشی مطرح بوده‌اند و علی‌رغم تفاوت‌هایی در تعریف و مقاصد، در نهایت، همگی برانگیختن یکی از انواع خنده (از نیشخند و پوزخند و ریشخند گرفته تا

قهقهه‌ای فارغ از هرگونه بدخواهی) را مد نظر دارند. درباره این اصطلاحات در طنزآوران امروز ایران آمده است: «هجو یعنی به تمسخر گرفتن عیب‌ها و نقص‌ها به منظور تحقیر و تنبیه، از روی غرض شخصی و آن ضد مدح است. طنز یعنی به تمسخر گرفتن عیب‌ها و نقص‌ها به منظور تحقیر و تنبیه، از روی غرض اجتماعی و آن تکامل‌یافته هجو است... هزل یعنی شوخی رکیک به منظور تفریح و نشاط، در سطحی محدود و خصوصی، و آن ضد جد است. فکاهه یعنی شوخی معتدل به منظور تفریح و نشاط، در سطحی نامحدود و عمومی، و آن صورت تکامل‌یافته هزل است.» (صلاحی و اسدی‌پور، ۱۳۸۳: ۵ و ۶). بدین ترتیب، می‌توان گفت که طنز، هجوی است از روی غرض اجتماعی؛ و فکاهه، هزلی است دارای جنبه عمومی، و به همین سبب نیش موجود در هجو و طنز به نیش‌خند خواهد انجامید و نوش هزل و فکاهه به نوش‌خند، و در جوامع مستبد – همچون ایران دوره قاجار که دوره مورد بحث ما است – جنبه سیاسی و اجتماعی می‌یابد، زیرا برخلاف فکاهه همواره نظر به درون دارد و به عمق مسائل می‌اندیشد، اما در تعریف دقیق‌تری از این اصطلاحات دکتر علی اصغر حبیبی می‌نویسد: «طنز در ادبیات عربی را معادل scoffing و ironical mockery انگلیسی به کار می‌برند و م. ا. رومی را می‌پسندم و دقیق‌تر می‌دانم، به معنی به مسخره از فردی یا جمعی سخن گفتن و استهزا کردن و در اصطلاح ادبی، نوعی از آثار ادبی که در برشمردن زشتی‌ها و ردایل فردی یا جمعی و آگاهانیدن مردم از آن‌ها می‌کوشید و فرق آن با هجویا هجا در این است که طنز در حالی که غالباً با استهزای بسیار و کنایه‌های بی‌شماره همراه است و اغلب از هجو جدا نیست، اما صراحت تعبیرات و مفاهیم هجو را ندارد، یعنی اغلب غیر مستقیم و با تعریض و تلویح، عیوب یا نقایص کسی یا جمعی را بازگویی می‌کند.» (حلبی، ۱۳۷۷: ۲). بنابراین، طنز همواره اشاره به معنایی ضمنی دارد و درک آن وابسته به استعداد و آشنایی‌های ذهنی مخاطب است. حلبی، علاوه بر دسته‌بندی موضوعی طنز – که آن را به طنز فلسفی، عرفانی، عاشقانه، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی تقسیم می‌کند – از طنز لفظی^۱ که متضمن اظهار آشکار یک حالت یا ارزشیابی و در نظر داشتن یک ارزشیابی کاملاً متفاوت است و در آن معنای نهانی اهمیت دارد و نه آنچه ظاهراً اظهار شده است و طنز ساختاری^۲ که در آن

1. verbal irony

2. structural irony

قهرومانی ساده لوح، که ساخته ذهن نویسنده است، ناآگاهانه به حقایقی اشاره می‌کند و به این افشاگری ناخودآگاهانه خود اصرار دارد. او در این باره می‌نویسد: «طنز لفظی بر پایه معرفت نویسنده از نیت خود و همفکری مستمعان یا خوانندگان او با او است، و حال آنکه سخن‌گوار آن بی‌خبر است.» (همان: ۶). حلبی «هجو» را چنین تعریف می‌کند: «هجو و هجا و تهجا هر سه از مصدر هجا یهجو است، به معنی عیب کردن و شتم کردن (لسان‌العرب) در اصطلاح ادیبان عبارت است از نوعی شعر غنایی که بر پایه نقد گزنده و دردانگیز است و گاهی به سرحد دشنام‌گویی یا ریشخند مسخره‌آمیز و دردآور نیز می‌انجامد و آن مقابل مدح است.» (همان: ۳۴)؛ و انواع هجو عبارت‌اند از: الف، شتم عیب‌های کسی، عیب‌شماری؛ ب، نکوهیدن و نکوهش؛ پ، مذمت یا نکوهش به نثر و نظم؛ ت، شتم و دشنام‌گویی به نظم و نثر؛ ث، سخن بیهوده و چیز بی‌فایده و ادبیات معتقد که هم‌ا از جهت شدت و ضعف و یا تند و سبکی به دو گروه تقسیم می‌شود: ۱. هجا آشوف، بجوی که ظاهر آن دارای دشنام زشت نیست، ولی در معنی بسیار سخت و رنج‌آور است؛ ابر: توبیخ، عیب‌گویی و تأخیر و تقدیم نسبت‌ها به زبانی نیش‌دار ولی کم‌دشنام است؛ ک: نه است؛ ۲. هجا الاراذل، خانمان برانداز نیست (ام) در آن واژه‌های تند و خنده‌ناک به کار می‌رود و هجوگویی با چالاکی می‌تواند خوانندگان یا شنوندگان خود را بر عیب‌های دشمن و نامرغوب‌های هجوشده خود بخنداند.» (همان: ۳۹)

معمولاً انگیزه هجاگوی نفرت شخصی، تحقیر و تخریب شرورانه‌ای آمیخته با لجاجتی جان‌گداز است،

نوبت شوخی و دم‌آزمی است	ایها الناس روز بی‌شرمی است
خاصه با آنکه خاصه خرد است	عادت و رسم روزگار بد است
شحنه ظلم و قاضی جهل‌اند	زانکه اهل زمانه نااهل‌اند
نامش اندر میان ما سره کرد	هرکه را روزگار مسخره کرد
خرم و شادمان تو کی باشی؟	جز به زندی، جز به قلاشی